

# قاچاق کالا و ارز

## نابسامانی اقتصادی و یا جرم بررسی قاچاق کالا و ارز و زندان

### چکیده

طرح مسئله: واسطه‌گری با قاچاق کالا، فعالیتی است غیرقانونی، که کالاهای غیرمجاز با کالاهای در انحصار دولت را وارد یا خارج می‌کنند. قاچاق همواره یک حرفه‌ی کاذب و سودآور، آسان و کم‌هزینه بوده و است. در اوضاع فعلی جهان، سازمان‌های تبهکار بین‌المللی و بنگاه‌های چندملیتی اقتصادی، قاچاق کالا را به منظور تحقق هدف‌های شوم خود در ترویج فرهنگ و اقتصاد غربی بر ضد کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به کار گرفته‌اند. اگر چه قاچاق کالا و ارز پدیده‌ای اقتصادی است اما، دولت‌ها به غلط یا درست، باید بزه به آن نگرسته و بیشتر به فکر مبارزه با آن به مثابه بک جرم هستند. در واقع با معلول به جای علت مبارزه می‌کنند. غافل از آنکه باید به فکر حل ریشه‌ای آن از طریق اصلاح نظام اقتصادی خود باشند.

طرح سؤال: یافته‌ها نشان می‌دهد که، عامل‌های فقر اقتصادی، بی‌سوادی و کم‌سوادی، سودآوری این کار، تشویق و تحریک دیگران، ضعف مبانی اعتقادی، کمبود اجناس عرضه‌کم و بالا بردن تقاضای جامعه، ضعف نظارت مأموران و ... از جمله عامل‌های موثر در گرایش به کار واسطه‌گری و قاچاق کالا است.

روش بررسی: این مطالعه، توصیفی و برای شناخت وضعیت جمعیت‌شناختی، کیفی و علل رویکرد زندانیان به این جرم (قاچاق کالا و ارز) صورت گرفته است.

نتایج: در سال ۱۳۸۳، ۴۲۵ نفر از زندانیان استان تهران به دلیل ارتکاب این جرم، در زندان تحمل کیفر می‌کرده‌اند. میانگین سن آنان ۳۶ سال و ۹۹/۵٪ مرد بوده‌اند. هشتاد و هشت درصد آنان سواد کم و با در حد دبیرستان سواد داشتند و قریب ۵۰ درصد صاحبان مشاغل واسطه‌ای و یا بیکار بوده‌اند.

امیر حسین درویش  
دکتر ایرج اسماعیلی  
بخش اول

اقتصاد جامعه می‌شوند. آن‌ها در مقابل خروج کالاهای مورد نیاز مردم و منابع ملی، اقدام به ورود کالاهایی می‌کنند که، منجر به تهاجم شدیدی بر ضد تولیدکنندگان داخلی می‌شود. مهمترین دلیل قاچاق کالاهای داخلی به خارج، وجود اختلاف بین قیمت این کالا در بازارهای داخلی و خارجی (به ویژه کشورهای همسایه) است. قیمت بعضی از کالاهای داخلی (مانند بنزین، گازوئیل، آرد و دارو و ...) به علت اختصاص یارانه به آنها از طرف دولت، در بازار داخلی به مراتب پایین‌تر از بازار کشورهای همسایه است، این امر خارج کردن کالاها توسط قاچاقچیان و حتی افراد عادی برای تامین نیازهای ارزی‌شان در خارج را سبب می‌شود. تا زمانی که پرداخت یارانه‌ها در داخل کشور هدفمند نشود و این اختلاف قیمت ناشی از پرداخت

قاچاق کالا عبارت است از نقل و انتقال‌های مخفیانه‌ی کالاها از خارج به داخل یا از داخل به خارج از کشور، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوط. در واقع قاچاق نوعی تجارت نامطلوب کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و اقتصاد کشور را از مسیر صحیح آن منحرف و دستیابی به هدف‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. قاچاق اصولاً یک فعالیت غیرعادی است که با بروز آن در اقتصاد هر کشوری، اعتبار و منزلت اجتماعی آن کشور در جامعه‌ی تجارت جهانی خدشه‌دار می‌شود. قاچاقچیان با قاچاق کالا، بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به حقوق تمامی افراد جامعه تجاوز می‌کنند و موجب بروز اختلال در



باراه بر جای خود باقی بماند، قاچاق سودآور خواهد بود. البته برخی از کالاهای غیریارانه‌ای نیز وجود دارند که انگیزه‌ی قاچاق آن‌ها به خارج نیز تفاوت فاحش قیمت‌شان در بازار داخل و خارج می‌باشد (مانند گوسفند زنده). شاید این تفاوت نیز به نوعی مربوط به نهادهای کشاورزی باشد که، به صورت یارانه‌ای در اختیار کشاورزان و دامداران قرار می‌گیرد. کالاهای دگرشده آن دسته از کالاهایی هستند که معمولاً در لیست کالاهای صادراتی غیرنفتی هستند و اگر برای صدور قانونی کالا مشکلی ایجاد شود که هزینه‌های تولیدکننده و صادرکننده افزایش یابد، انگیزه‌ی صدور کالای قاچاق پدید می‌آید. اگر قیمت‌گذاری کالای صادراتی به طور واقعی صورت نگیرد و قیمتی بالاتر از قیمت واقعی روی کالای صادراتی گذاشته شود و در نتیجه صادرکننده موظف شود که ارزی بیش از قیمت آن کالا، در بازار خارج به کشور را بازگرداند، در این صورت نیز انگیزه‌ی قاچاق کالا پدید می‌آید. یکی دیگر از علل قاچاق کالا به خارج از کشور وجود اختلاف بین ارز واریز نامه‌ای و نرخ ارز

باره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وجود تقاضای قابل توجه در داخل برای ایسگونه کالاها (به دلایلی مانند زیبایی و نوآوری در طرح و رنگ، کیفیت بالا، تبلیغات گسترده خارجی از طریق وسایل پیشرفته‌ی ارتباط جمعی و مشخص نبودن الگوی مصرف صحیح در جامعه و ...)

- وجود قوانین، مقررات، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها (البته در صورت یکسان بودن قیمت‌های داخلی و خارجی، حتی با وجود قوانین، مقررات، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، انگیزه‌ای برای قاچاق کالا وجود نخواهد داشت، لذا، عمده‌ترین علت همواره همین تفاوت در قیمت‌های داخل و خارجی یا همان شیب قیمتی است).

- وضع تعرفه‌های سنگین بر واردات قانونی کالا

- مرزهای طولانی زمینی و دریایی و فقدان نظارت کافی بر آن‌ها (علاوه بر این وجود فقر، بیکاری و توسعه‌ی نیافتگی در مناطق مرزی که محل ورود یا خروج کالای قاچاق هستند، عامل مهمی در تشدید قاچاق است و این در حالی است که



حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد مردم زیر خط فقر به سر می‌برند و افزایش بیکاری در مناطق مرزی تمایل به قاچاق را افزایش می‌دهد، قاچاقچیان از بیکاران محلی به راحتی برای قاچاق کالاها استفاده می‌کنند.)

فعالیت شدید مناطق آزاد تجاری در زمینه‌ی ورود کالاهای لوکس و مصرفی و اجیر شدن بعضی افراد توسط عوامل قاچاق کالا برای انتقال کالای همراه مسافر از مناطق آزاد، نیز شکل سامان‌یافته‌تری به پدیده‌ی قاچاق کالا داده است. مناطق آزادی تجاری، صنعتی که در واقع برای جذب سرمایه‌گذاری به منظور تولید کالاهای صادراتی تاسیس شده‌اند، در بعض

بازار آزاد (غیررسمی) می‌باشد. تا زمانی که این تفاوت قیمت و نظام چندنرخ‌ی ارز وجود داشته باشد، قاچاق کالا به خارج نیز سودآور خواهد بود و در نتیجه از میزان صادرات کالا به صورت رسمی و قانونی کاسته خواهد شد.

از دیگر عوامل موثر بر قاچاق کالاهای صادراتی تشریفات اداری صدور کالا و سیاست‌های بازرگانی حمایتی و محدودکننده است که سبب طولانی و پرهزینه‌تر شدن روال قانونی کار، راکد ماندن سرمایه‌ی صادرکننده و یا فساد کالاهای وی می‌شود. اما قاچاق کالا فقط در وجه صادرات کالا نبوده و یکی دیگر از وجوه آن قاچاق کالاهای وارداتی است که در این

موارد به درجه‌ای برای ورود کالاهای قاچاق به کشور شده‌اند. به علت تفاوت شدید قیمت کالاها در مناطق آزاد با داخل کشور (حتی تا ۶ برابر) انگیزه‌ی خرید از این مناطق بسیار قوی است.<sup>۱</sup> بازارچه‌های مرزی نیز بر خلاف انتظار، عملکرد خوبی نداشته‌اند.

## وضعیت قاچاق در کشور<sup>۲</sup>

دولت هر سال با توجه به امکانات و نیازهای کشور و با هدف ایجاد توازن در پرداخت‌های خارجی، با اتخاذ سیاست‌های تجاری، حجم واردات و صادرات را معین می‌کند. قاچاق کالا، اینگونه هدف‌های دولت را خنثی می‌کند. زیرا کالاهای قاچاق وارداتی به ناچار دارای هزینه‌های ارزی برای اقتصاد ملی است که خارج از محاسبات دولت بر اقتصاد کشور تحمیل می‌شود. علاوه بر این قاچاقچیان کالاهای صادراتی که ارز حاصل از صادرات را به نظام بانکی کشور باز نمی‌گردانند، در واقع به فرار سرمایه از کشور کمک و در موقعیت نیاز کشور به ارز برای سرمایه‌گذاری، تبعات اقتصادی زیانباری را بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند. قاچاق کالا از یک سو، هزینه‌ی واردات را بیش از حد موردنظر دولت بالا می‌برد و از سوی دیگر هدف‌های دولت در تخصیص ارز به واردات کالاهای ضروری، سرمایه‌ای و واسطه‌ای به منظور رشد تولیدات داخلی را مخدوش می‌سازد. کالاهای قاچاق معمولاً مصرفی و غیرضروری هستند و تاثیر منفی بر رشد تولید داخلی ندارند، بر الگوی مصرف جامعه نیز اثرات نامطلوبی داشته و تولیدات داخلی را نیز با رقابت فشرده‌تری در بازار داخلی مواجه می‌سازند. لذا قاچاق کالا، اساس سیاست‌های بازرگانی دولت و توازن تجاری موردنظر آن را مخدوش نشان می‌دهد. طبق محاسبات به عمل آمده قاچاق سالانه ۳ میلیارد دلار کالا، تولیدات صنعتی کشور را به میزان ۸ درصد کاهش می‌دهد.<sup>۳</sup> این افت تولید آثار نامطلوبی بر سطح اشتغال در کشور دارد (بر اساس تحقیقات صورت گرفته به ازای هر ۳۰. ۱۵ دلار قاچاق کالا، یک شغل از دست می‌رود). در حالی که برای ایجاد هر شغل حدود ۱۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری لازم است، با ۳ میلیارد دلار قاچاق کالا در ایران می‌توان سالانه ۳۰۰ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد کرد.<sup>۴</sup> به این ترتیب قاچاق کالا، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و موثر در رشد تولید ناخالص داخلی را از بین می‌برد. سود فزاینده‌ی قاچاق، انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری‌های مولد را نیز کاهش می‌دهد و در سرمایه‌گذاری انحراف ایجاد می‌کند. با انحراف سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا، درآمد ملی و همچنین درآمد سرانه کاهش و در نتیجه فقر بیش از پیش در جامعه گسترش می‌یابد. قاچاق

کالاهای وارداتی، دولت را از دریافت سود بازرگانی و عوارض گمرکی محروم می‌کند و درآمدهای ریالی آن را کاهش می‌دهد. ورود کالاهای قاچاق که به علت نپرداختن حقوق و عوارض گمرکی، قیمت تمام‌شده‌ی پایین‌تری در رقابت با تولیدات داخلی دارند، صنایع داخل را به رکود فعالیت‌ها و در نتیجه تعطیلی می‌کشاند.

در سال‌های اخیر تحقیقات مختلفی در مورد کار نیروی انسانی در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه انجام گرفته و حاکی از آن است که میزان بیکاری بالا و به طور متوسط معادل ۱۰ درصد است، اما، این پدیده نزد جوانان به مراتب بالاتر و تا ۳۰ درصد نیز می‌رسد (ترنهام، ۱۹۹۳). نیازی به گفتن نیست که از مدت‌ها پیش میزان بیکاری معرف نابسامانی وضع اشتغال در این کشورهاست. در واقع فقدان تامین کار و سطح پایین دستمزدها نیز در بسیاری از خانواده‌ها، آنان را وادار می‌کند که برای تامین زندگی‌شان به کارهای کم بازده تن دهند (در خوش‌بینانه‌ترین حالت) و یا اقدام به فعالیت در بازار کار غیررسمی و یا ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه کنند. نتیجه این که افزایش بیکاری علامت هشداردهنده‌ای نسبت به بروز مشکلات در جامعه می‌باشد.

قاچاق کالاهای صادراتی نیز گذشته از مشکلات ارزی می‌تواند بر قیمت کالاهای صادراتی رسمی در بازارهای جهانی با کاهش عرضه نسبت به تقاضا در داخل بر قیمت‌های بازار داخلی، آثار نامطلوبی بر جای گذارد و به ویژه اقشار آسیب‌پذیر را در تامین نیازهای ابتدایی خود با دشواری مواجه سازد. زیرا کالاهای قاچاق صادراتی به عکس کالاهای قاچاق وارداتی، به طور عمده کالاهای ضروری و یارانه‌ای هستند.

قاچاق کالاها لطمه‌ی شدیدی بر بازار کالاهای صادراتی رسمی و نیز اعتبار صادرکنندگان ایرانی نزد خریداران خارجی وارد می‌کند. ارزی که در اثر ورود کالاهای قاچاق از کشور خارج می‌شود می‌تواند در فعالیت‌های مولد به کار گرفته شود و باعث ایجاد اشتغال و افزایش تولید شود. این در حالی است که فقط تعداد اندکی شغل کاذب در بخش قاچاق ایجاد می‌شود که همان نیز از طریق جایگزینی کالاهای وارده تولید و اشتغال داخلی موجود را از بین می‌برد. اکثر کالاهای قاچاق وارداتی، لوکس هستند و حقوق گمرکی و سود بازرگانی آن‌ها بیش از ۵۰ درصد است که با احتساب دو میلیارد دلار قاچاق سالانه کالا ۲۰۰۰ میلیارد ریال از درآمدهای بالقوه دولت وصول نمی‌شود.<sup>۵</sup> با خروج بی‌رویه‌ی ارز از کشور، بازار قاچاق ارز تقویت می‌شود و به تدریج نظام ارزی کشور را نیز به دنبال خود می‌کشاند. تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی با تغییر ارزش‌های اجتماعی و افزایش نیازها، زمینه‌ی مفساد مالی و

اقتصادی را فراهم می‌آورد، این همه از پیامدهای قاچاق کالا است. قاچاق کالا اصولاً الگوی مصرف داخلی را تغییر می‌دهد. وقتی کالاهای لوکس با قیمت ارزان وارد کشور می‌شود، مصرف آن‌ها افزایش می‌یابد و لذا الگوی مصرف به ویژه برای قشر بالای جامعه که قدرت خرید بالایی دارند به سوی استفاده از کالاهای لوکس و مصرفی گرایش می‌یابد. به محض ورود کالای قاچاق، اثر تبلیغی و نمایشی آن ظاهر می‌شود، چون الگوی مصرف جامعه و پدیده‌ی قاچاق اثر متقابل بر یکدیگر دارند. قاچاق کالاها همواره در مورد کالاهای لوکس و مصرفی و نه مواد اولیه کارخانه‌ها است و اثرات منفی در جامعه دارد.

مطابق جدیدترین مطالعات صورت‌گرفته توسط مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۰ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران به صورت اقتصاد زیرزمینی است که البته بخشی از آن ناشی از ضعف نظام امارگیری در کشور است. اما مسلماً بخش عمده‌ی آن قاچاق کالا می‌باشد. اما نکته‌ی اساسی در خصوص اقتصاد زیرزمینی از جمله قاچاق، اثر سوء آن بر اقتصاد ملی است. حجم کل واردات به کشور در سال ۱۳۸۲ حدود ۳۳ میلیارد دلار بوده است که درآمد دولت از این محل حدود ۴ میلیارد دلار (۳۳۰۰ میلیارد تومان) برآورد می‌شود. به عبارت دیگر به ازای هر ۸ دلار واردات یک دلار به درآمدهای دولت اضافه می‌شود و با این محاسبات اگر حجم کل قاچاق کالا به کشور را حدود ۸ میلیارد دلار در نظر بگیریم - طبق برخی بررسی‌ها که چندان دور از واقعیت نیست - قاچاق کالا حدود یک میلیارد دلار از درآمدهای کشور را کاهش می‌دهد و این اولین خسارت ناشی از رواج قاچاق کالا است.<sup>۶</sup>

بر اساس اظهارات دکتر رسول مبرحمیدی یکی از اقتصاددانان کشور در خصوص ارزش کالای قاچاق بر اساس محاسباتی که با در نظر گرفتن حجم کالاهای قاچاق کشف‌شده، صورت گرفته است ارزش قاچاق کالا به ایران سالانه ۲ تا ۴ میلیارد دلار برآورد شده است که پیمان‌های ارزی جعلی تسویه‌نشده و خروج غیرقانونی کالا را نیز در برمی‌گیرد. وی با اشاره به مسأله‌ی سازمان‌یافتگی پدیده‌ی قاچاق در کشور، می‌افزاید: طبق بررسی‌های صورت‌گرفته حجم کالاهای غیرایرانی موجود در بازار، حدود ۱۳ میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود، که، این رقم از وجود قاچاق سازمان‌یافته و دست‌های نامرئی در بازار تولید هر چه بیشتر این پدیده حکایت دارد. در حال حاضر در حدود ۳۰ درصد از حجم قاچاق کالاها از مادی مجاز (مرزهای گمرکی) و ۷۰ درصد از مرزهای غیرمجاز وارد یا خارج می‌شوند. همچنین بخش عمده‌ای از کالاهای قاچاق (۶۰ درصد) از طریق مرزهای دریایی و بقیه (۴۰ درصد) از طریق مرزهای زمینی صورت می‌گیرد.<sup>۷</sup> قاچاق عمدتاً از مناطقی

صورت می‌گیرد که خطرپذیری و هزینه‌ی کمتری داشته باشد. بدین لحاظ اکثر کالاهای قاچاق از مرزهای دریایی یا کوهستان‌های صعب‌العبور وارد یا خارج می‌شوند و قاچاقچیان به علت حفاظت شدیدتر، از راه‌های اصلی استفاده نمی‌کنند. مبادی ورودی و خروجی کالاهای قاچاق عمدتاً مرزهای استان هرمزگان، سیستان و بلوچستان، بوشهر و مرز کشورهای ترکیه، آذربایجان، عراق و پاکستان است. مبادی مهم دیگر برای ورود کالای قاچاق مناطق آزاد تجاری - صنعتی می‌باشند که ورود کالا به آن‌ها آزاد است و خروج آن نیز به دلیل وسعت مرزهای دریایی آسان‌تر صورت می‌گیرد. بر اساس اظهارات سردار قالیباف رییس سابق ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعداد اسکله‌های موجود دریایی شمال و جنوب کشور در مجموع ۱۹۹ اسکله است و در آمار دیگری این رقم ۱۴۶ اسکله ذکر شده است. وی اختلاف آمار در زمینه‌ی تعداد واقعی اسکله‌های کشور را ناشی از ضعف مدیریتی دانست، اما، در عین حال گفت که: از مجموع ۱۴۶ اسکله‌ی موجود در شمال و جنوب کشور، ۱۳۲ اسکله در حوزه‌ی دریای جنوب و ۱۴ اسکله در حوزه‌ی دریای شمال قرار دارند. قالیباف گفت: با بررسی‌های به عمل آمده از سوی تیم اعزامی، فقط در حوزه‌ی جنوب کشور ۲۰۱ اسکله و ۱۲ خور (اسکله‌ی طبیعی) وجود دارد که این تعداد خور در مواقع پیشرفتگی آب در سواحل، امکان تخلیه‌ی بار به صورت قاچاق را نیز فراهم می‌کند. وی افزود: از این تعداد اسکله، ۶۹ اسکله در استان هرمزگان، ۷۹ اسکله در استان بوشهر، ۴۸ اسکله در استان خوزستان و ۱۷ اسکله نیز در استان سیستان و بلوچستان قرار دارند. بر اساس تعریف به‌عمل‌آمده، ۳۸/۸ درصد از این اسکله‌ها دارای مجوز، و ۶۱/۲ درصد اسکله‌ها نیز فاقد مجوز از سازمان بنادر و کشتیرانی و ارگان‌های مربوطه می‌باشند، ۴۰ درصد از مجموع اسکله‌های با مجوز و فاقد مجوز را دارای سابقه‌ی قاچاق و ۳۴ درصد از اسکله‌ها را فاقد سابقه‌ی قاچاق و ۲۶ درصد آن‌ها را نیز نامشخص اعلام کرد.

#### یادآوری‌ها

۱. موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ماهنامه‌ی بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵
۲. موسسه‌ی تحقیقات تدبیر اقتصاد، فسادمالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله ج ۱، ص ۱۲۰
۳. موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ماهنامه‌ی بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵
۴. همان
۵. همان
۶. روزنامه‌ی همشهری، ۱۳۸۳/۴/۱۸
۷. موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ماهنامه‌ی بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۳۵

ادامه دارد